یادداشت

محمدرضا سوری

پیوست ترافیکی نیاز کلان‌شهرها

ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان نباید منجر به اخلال در نظم ترافیکی شود. موضوعی که در عمده موارد در شهر شاهد آن هستیم و می‌بینیم هم‌زمان با ارائه این خدمات، در نظم عمومی شهر اخلال ایجاد می‌شود. با وجود آنکه طبق قانون باید برای میدان‌ها و معابر شهر و اساساً تمام طرح‌های سازه‌ای و مراکز عمومی شهر مثل هتل‌ها، بیمارستان‌ها و سینماها، پیوست ترافیکی و پیوست اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود، اما این موضوع در بیشتر مواقع مورد غفلت قرار گرفته و موجب به وجود آمدن ترافیک سنگین و به‌هم‌ریختگی عبور و مرور در شهر می‌شود.

این در حالی است که به عنوان یک فرد مسلمان، برپایی مراسم مذهبی را واجب و مهم می‌دانم، اما بی‌توجهی به قوانین در انتخاب محل آن بدون هماهنگی با پلیس راهور می‌تواند ضمن ایجاد ترافیک، عبور و مرور وسایل نقلیه امداد را با مشکل مواجه کند. از آنجا که در این مراسم موکب‌ها اقدام به پخش نذورات می‌کنند و طبق اعتقادات مذهبی، استفاده از این نذورات را تبرک می‌دانیم، لذا افراد و خودروها برای دریافت آن بی‌توجه به رفت‌وآمدها، در هر کجا که لازم بدانیم توقف کرده و عملاً مقدمات ایجاد ترافیک و در نهایت بروز تصادفات را رقم می‌زنیم.

البته باید به این نکته اشاره کرد که به غیر از این موکب‌ها، در حال حاضر بی‌توجهی به پیوست ترافیکی در مورد پروژه‌های بزرگ تجاری در حال ساخت یا مواردی که ساخته شده، موجب شده تا شاهد مشکلات ترافیکی باشیم که به عنوان نمونه می‌توان به احداث مراکز تجاری و تفریحی در کلان‌شهر تهران اشاره کرد که در حال حاضر موجب بروز ترافیک شدید و مختل شدن رفت‌وآمد شده‌است. در این میان باید به این نکته اشاره کرد که خودروهای امدادی اعم از آتش‌نشانی، آمبولانس‌ها و پلیس برای زودتر رسیدن به محل پیشامد نیاز به خلوتی مسیر دارند، لذا همان‌طور که در مراسم مختلف از جمله برپایی راهپیمایی‌ها در مناسبت‌های ملی در خیابان‌ها و میدان‌ها، برگزارکنندگان از قبل با پلیس راهور هماهنگی می‌کنند تا محل‌های جایگزین برای رفت‌وآمد مشخص شود، جای دارد تا در این رابطه نیز هماهنگی‌های لازم بین برپاکنندگان موکب‌ها و مراسم‌ها با پلیس و شهرداری به عمل آید تا شاهد به‌هم‌ریختگی در شهرها و معابر نباشیم.



قاتل اجاره‌ای در یک قدمی طناب دار

غلامرضا مسکنی

پرونده مرد جوانی که با دریافت ۲۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت و وعده دستمزد ۲۰۰ میلیون تومانی از سوی همسر مردی میان‌سال، او را در پارکی در منطقه جنت‌آباد با شلیک گلوله به قتل رسانده بود، پس از تأیید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد.

بامداد هجدهم تیرماه سال ۱۴۰۳، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران از کشف جسد مردی میان‌سال در پارکی در منطقه جنت‌آباد باخبر شد و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شد.

بررسی‌های اولیه نشان داد مرد ناشناس با شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده‌است. در نزدیکی جسد نیز یک جعبه کمک‌های اولیه حاوی وسایل تزریقات و عینکی شکسته کشف شد. در حالی که تحقیقات برای شناسایی مقتول ادامه داشت، مأموران متوجه زن میان‌سالی شدند که همراه دختر جوانش در پارک به دنبال شوهرش می‌گشت.

تحقیقات نشان داد زن میان‌سال تزریقاتچی است و جسد کشف‌شده متعلق به همسر او به نام سعید است. به این ترتیب، رفتار و اظهارات زن جوان در دستور بررسی قرار گرفت.

۳ سرنخ علیه همسر مقتول

بازپرس امور جنایی تهران پس از بررسی‌های اولیه به سه موضوع مشکوک شد و دستور بازداشت زن میان‌سال را صادر کرد. نخست اینکه زن مدعی بود جعبه وسایل تزریقات را داخل خودرو گذاشته، اما همان جعبه در چند قدمی جسد پیدا شده بود. دوم اینکه زمان تماس تلفنی او با شوهرش با لحظه شنیده شدن صدای شلیک گلوله هم‌زمان بود. سومین موضوع نیز حضور مادر و دختر در همان پارکی بود که جسد در آن کشف شده‌بود.

زن میان‌سال ابتدا هرگونه دخالت در قتل را انکار کرد، اما وقتی با مدارک و شواهد روبه‌رو شد، اعتراف کرد مردی به نام ستار را برای کشتن شوهرش اجیر کرده‌است.

روایت زن از اجیر کردن قاتل

زن میانسال درباره انگیزه خود از قتل همسرش گفت: حدود ۱۰ سال قبل یکی از دوستانم را برای ازدواج به ستار معرفی کردم. آنها ازدواج کردند و برای زندگی به شهرستان رفتند. مدتی قبل ستار با من تماس گرفت و از اختلاف با همسرش گلایه کرد و مرا مقصر مشکلات زندگی‌اش دانست.

او ادامه داد: من هم از اختلاف با شوهرم گفتم و پیشنهاد کردم فردی را برای قتل او اجیر کنم. ستار پذیرفت و قرار شد در ازای ۲۰۰ میلیون تومان شوهرم را به قتل برساند.

متهم درباره روز حادثه نیز گفت: ستار با من تماس گرفت و گفت برای انجام نقشه به تهران آمده‌است. از او خواستم قتل را به تعویق بیندازد، اما قبول نکرد و گفت باید زودتر به شهرستان برگردد. او به بهانه تزریق آمپول از من خواست به پارک بروم. در مسیر، خودرویم خراب شد و با شوهرم تماس گرفتم و محل توقفم را به او گفتم. تصور نمی‌کردم سعید به این سرعت خودش را به آنجا برساند. وقتی شوهرم آمد، با هم مشاجره کردیم و من از پارک بیرون رفتم. ساعتی بعد ستار تماس گرفت و خبر داد شوهرم را کشته است. او همچنین تهدیدم کرد اگر پولش را پرداخت نکنم، مرا هم خواهد کشت.

فرار قاتل به شهرهای غربی

هم‌زمان با اعترافات زن میان‌سال، کارآگاهان برای دستگیری ستار وارد عمل شدند، اما مشخص شد او پس از جنایت از تهران فرار کرده‌است. بررسی‌ها نشان داد متهم به یکی از شهرهای غربی کشور گریخته و در آنجا مخفی شده‌است. در نهایت با انجام هماهنگی‌های قضایی، محل اختفای او شناسایی و مرد جوان بازداشت شد. ستار در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و مدعی شد همسر سعید برای این جنایت ۲۰۰ میلیون تومان به او وعده داده و ۲۰ میلیون تومان نیز به‌عنوان پیش‌پرداخت پرداخت کرده‌است.

او درباره آشنایی‌اش با زن میان‌سال گفت حدود چهار سال قبل، به دلیل ابتلا به بیماری و نیاز به تزریق روزانه آمپول، این زن را که در کار تزریقات بود، به او معرفی کردند. به این ترتیب با زن میان‌سال آشنا شد و او به تدریج از اختلافاتش با شوهرش برایش صحبت کرد.

متهم مدعی شد زن میانسال پیشنهاد قتل شوهرش را مطرح و پس از مدتی او را برای انجام این کار وسوسه کرده‌است. به گفته او، زن میانسال عکس و مشخصات سعید را در اختیارش گذاشته و گفته‌بود مقتول شب‌ها برای پیاده‌روی به پارک نزدیک خانه‌شان می‌رود. ستار همچنین اعتراف کرد شب حادثه در پارک کمین کرده و در فرصتی مناسب با شلیک گلوله محمود را به قتل رسانده‌است. او پس از جنایت، اسلحه را در باغچه خانه‌اش در تهران مخفی کرده‌بود که مأموران پس از دستگیری، آن را کشف کردند.

قاتل در یک قدمی چوبه دار

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اولیای‌دم که دو دختر مقتول بودند، برای قاتل درخواست قصاص کردند.

پس از برگزاری جلسه محاکمه در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران، قضات ستار را به اتهام قتل عمد به قصاص و همسر مقتول را به ۱۰ سال و یک روز حبس محکوم کردند.

حکم قصاص قاتل پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای طی مراحل قانونی اجرا به شعبه یک اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارسال شد و روی میز قاضی روحانی قرار گرفت و به این ترتیب، نفس‌های مرد جوان به شماره افتاد.

تعقیب و گریز پلیسی در بزرگراه تهران-ساوه

دو مجرم سابقه‌دار سرقت منزل که با خودروی دارای پلاک جعلی در بزرگراه تهران-ساوه تردد می‌کردند، پس از بی‌توجهی به فرمان ایست پلیس و تعقیب و گریز پرخطر، دستگیر شدند.

به گزارش «جوان»، رئیس مرکز عملیات پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری دو متهم سابقه‌دار پس از تعقیب و گریز در بزرگراه تهران-ساوه خبر داد. سرهنگ مرتضی ایمانی گفت: مأموران گشت پلیس آگاهی هنگام گشت‌زنی به یک دستگاه پژو ۲۰۷ مشکوک شدند و در بررسی پلاک آن دریافتند شماره نصب‌شده با مشخصات خودرو مطابقت ندارد. راننده با وجود فرمان ایست پلیس از توقف خودداری کرد و با حرکات خطرناک به فرار ادامه داد. مأموران برای متوقف کردن خودرو و طبق ضوابط قانونی به‌کارگیری سلاح تیراندازی کردند. در جریان تعقیب، یکی از سرنشینان دستگیر شد و راننده نیز پس از رها کردن خودرو به دلیل نقص فنی، بازداشت شد.

در بازرسی از خودرو، پلاک جعلی، بی‌سیم دستی، کلید و ابزار، کلاه، ماسک و حروف و اعداد مورد استفاده برای دستکاری پلاک کشف شد.

به گفته رئیس مرکز عملیات پلیس آگاهی، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هر دو متهم سابقه سرقت منزل دارند. متهمان برای تحقیقات تخصصی و بررسی احتمال دست داشتن در سرقت‌های دیگر به اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند.

آزادی پس از ۱۰ سال حبس به خاطر مرگ دختر همسایه

جلال مهرگان

مردی که پس از سپردن نگهداری دختر دوساله همسایه به او، در پی سوختگی و مرگ این کودک به اتهام قتل شبه‌عمدی محکوم شده‌بود، پس از بیش از ۱۰ سال حبس و با گذشت پدر کودک و کمک خیرین آزاد شد.

پرونده مرگ تلخ دختربچه‌ای دوساله در تهران که به دلیل سوختگی جان خود را از دست داد، پس از بیش از یک دهه با آزادی مردی که مسئولیت نگهداری از او را بر عهده گرفته بود، به سرانجام رسید. ماجرای این پرونده به سال ۱۳۹۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که مرگ مشکوک دختربچه‌ای به نام مینا در یکی از بیمارستان‌های تهران به پلیس گزارش شد. با اعلام این خبر، تحقیقات برای روشن شدن علت مرگ کودک آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد مینا با آثار سوختگی قدیمی به بیمارستان منتقل شده‌است. خاله کودک که او را به مرکز درمانی رسانده‌بود، در جریان تحقیقات گفت پدر مینا حضانت فرزندش را بر عهده داشت، اما چند ماه پیش به دلیل ارتکاب جرم بازداشت و زندانی شده‌بود. پدر پیش از رفتن به زندان، دخترش را به نصیر، مرد همسایه، سپرده بود تا از او مراقبت کند.

خاله مینا در ادامه توضیح داد: چند روز قبل، نصیر در حالی که کودک دچار سوختگی شده و وضعیت جسمی مناسبی نداشت، او را به خانه ما آورد. بلافاصله مینا را به بیمارستان منتقل کردم، اما پزشکان اعلام کردند انتقال کودک با تأخیر انجام شده و با وجود تلاش کادر درمان، جانش را از دست داد.

روایت مرد همسایه از حادثه سوختگی

با دستور قضایی، جسد کودک برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. بررسی‌های کارشناسی نشان داد حدود ۱۲ درصد از بدن مینا دچار سوختگی شده و عوارض ناشی از این جراحات، علت مرگ او بوده‌است.

در ادامه، پدر کودک نیز از نصیر به دلیل کوتاهی در نگهداری از دخترش شکایت کرد. مرد همسایه که برای ادای توضیحات احضار شده‌بود، درباره چگونگی وقوع حادثه گفت: پس از زندانی شدن پدر مینا، از من خواست مراقب دخترش باشم. این مسئولیت را پذیرفتم و مدتی از کودک نگهداری کردم تا اینکه حدود سه ماه بعد حادثه اتفاق افتاد.

او در شرح ماجرا مدعی شد: مینا مشغول بازی بود که دستگیره سماور را گرفت تا از جای خود بلند شود، اما نتوانست تعادل آن را حفظ کند و سماور روی بدنش افتاد. در این حادثه سر و صورتش سوخت. تصور نمی‌کردم سوختگی تا این اندازه جدی باشد، اما چند روز بعد حال او وخیم شد و کودک را به خاله‌اش سپردم.

محکومیت به پرداخت دیه و سال‌ها حبس

با تکمیل تحقیقات و بررسی نظریه پزشکی قانونی، نصیر به دلیل اهمال در نگهداری از کودک مقصر شناخته شد و به اتهام قتل شبه‌عمدی به پرداخت دیه در ماه حرام محکوم شد. این حکم نیز در مراحل قضایی تأیید شد.

با این حال، نصیر به دلیل ناتوانی در پرداخت دیه راهی زندان شد و سال‌های طولانی را در حبس گذراند. سرانجام او برای تأمین مبلغ محکومیت و رهایی از زندان، درخواست کمک خود را به مددکاران ستاد دیه استان تهران ارائه کرد.

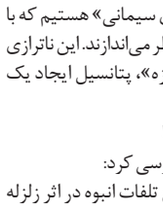


گذشت پدر کودک و کمک ۵۰۰ میلیون تومانی خیرین

مددکاران ستاد دیه پس از بررسی پرونده، رایزنی با پدر مینا را برای جلب رضایت او آغاز کردند. این پیگیری‌ها سرانجام نتیجه داد و پدر کودک با گذشت از دریافت ۹۰۰ میلیون تومان از مبلغ دیه، زمینه آزادی مرد زندانی را فراهم کرد. در ادامه، ۵۰۰ میلیون تومان باقی‌مانده نیز با کمک خیرین تأمین شد تا نصیر پس از تحمل بیش از ۱۰ سال حبس، از زندان آزاد شود. به این ترتیب، پرونده‌ای که با مرگ تلخ یک کودک دوساله آغاز شده بود، با گذشت پدر داغدار و مشارکت خیرین، به آزادی مردی انجامید که سال‌ها به دلیل ناتوانی در پرداخت دیه در زندان به سر می‌برد.

یادداشت

کاسبانی که تابوت‌های سیمانی می‌سازند



سرهنگ علی صباحی‌فر
معاون اجتماعی پلیس امنیت اقتصادی فراجا

در سال‌های اخیر، مناطق شمالی ایران با پدیده‌ای هولناک به نام «ساخت‌وسازهای خارج از قواره» روبه‌رو شده‌است. آنچه در جنگل‌ها، کوهپایه‌ها و سواحل شمال در حال رخ دادن است، نه توسعه شهری، بلکه نوعی «تهاجم ساختمانی» است. ویلاهایی که با استفاده از متریال‌های بی‌کیفیت، فرآیندهای دم‌دستی و بدون رعایت کوچک‌ترین استانداردهای مهندسی بنا شده‌اند، نه‌تنها زیبایی‌های شمال را از بین برده‌اند، بلکه تله‌ای مرگبار برای ساکنان و گردشگران فراهم کرده‌اند.

معماری بی‌هویت و مغایر با فرهنگ و محیط‌زیست

یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌ها، تخریب «بافت و اصالت» است. معماری اصیل در شمال، همیشه با اقلیم (بارندگی زیاد، رطوبت و شیب زمین) سازگار بوده‌است، اما امروزه شاهد ویلاهایی با معماری‌های کپی‌برداری‌شده از مناطق خشک یا سبک‌های غربی نامتناسب هستیم که هیچ پیوندی با فرهنگ ایرانی و اقلیم شمال ندارند. این سازه‌ها با ایجاد تداخل‌های بصری شدید و استفاده از مصالحی که با طبیعت همخوانی ندارند، به یک «بیابانِ سیمانی» تبدیل شده‌اند که روحِ سبز شمال را از بین می‌برد. این عدم تناسب، علاوه بر تخریب زیبایی‌شناسی، باعث تغییر در گردش آب و تخریب اکوسیستم نیز می‌شود.

تهدید مرگبار: سازه‌های بدون ستون در پهنای گسل

بحران اصلی، جایی است که مهندسی با بی‌خیالی برخورد می‌کند. بسیاری از این ویلاهای لوکس یا نیمه‌نیمه‌کاره، از نظر سازه‌ای فاقد ستون‌های اصلی، پایه‌های عمیق و مهاربندی‌های لازم هستند. در مناطق شمالی که لرزه‌خیزی بالا است و روی گسل‌های فعال قرار دارند، ساخت‌وساز بدون رعایت اصول «طراحی لرزه‌ای» یعنی دعوت به یک فاجعه انسانی است. یک زلزله با شدت متوسط که در مناطق استاندارد آسیب چندانی ایجاد نمی‌کند، در این سازه‌های «دم‌دستی» و «بدون ستون»، می‌تواند باعث فروپاشی ناگهانی کل بنا شود. ما در حال ساختن «تابوت‌های سیمانی» هستیم که با کوچک‌ترین لرزش، جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازند. این ناترازی میان «تراکم ساختمانی» و «کیفیت سازه»، پتانسیل ایجاد یک بحران مرگبار را در زمان زلزله دارد.

تبعات گسترده این ساخت‌وسازها

تبعات این روند را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:

۱. تبعات جانی و امنیتی: احتمال وقوع تلفات انبوه در اثر زلزله یا رانش زمین به دلیل تغییر شیب و عدم پایداری خاک در اثر ساخت‌وساز غیرمجاز.

۲. تبعات اقتصادی: کاهش ارزش واقعی زمین‌های استاندارد و ایجاد یک بازار سیاه ساختمانی که در نهایت باعث از بین رفتن سرمایه‌های واقعی کشور می‌شود.

۳. تبعات محیط‌زیستی: قطع درختان، مسدود شدن مسیرهای طبیعی آب، تخریب خاک و نابودی تنوع زیستی که تأثیرات آن بر آینده اقلیم ایران غیرقابل جبران است.

با چه کسانی و چگونه باید مقابله کرد؟

مقابله با این جریان، نیازمند یک رویکرد چندجانبه است، چراکه این ساخت‌وسازها معمولاً در سایه نفوذ یا کوتاهی برخی نهادها شکل می‌گیرند.

الف) نهادهای نظارتی و اجرایی (مسئول اصلی): مقابله مستقیم باید با شهرداری‌ها، ادارات منابع طبیعی، سازمان جنگل‌ها و شهرها، و بخشداری‌ها و دهداری‌ها صورت گیرد. این نهادها وظیفه دارند در برابر تخلفات، قاطعانه ایستادگی کنند. عدم برخورد با ساخت‌وسازهای خارج از قواره، به معنای تأیید ضمنی آن‌هاست.

ب) نهادهای قضایی و انتظامی: نهادهای مسئول باید وارد عمل شوند. ساخت‌وساز غیرمجاز، نوعی جرم علیه امنیت عمومی است.

ج) نهادهای علمی و صنفی: سازمان نظام مهندسی باید مسئولیت خود را در قبال نظارت بر کیفیت مصالح و اجرای دقیق نقشه‌ها ایفا کند. مهندسان باید از امضای نقشه‌هایی که با واقعیت زمین و نیازهای سازه‌ای همخوانی ندارند، خودداری کنند.

د) نقش جامعه و رسانه (نظارت مردمی): مردم و رسانه‌ها باید به عنوان «ناظران اجتماعی» عمل کنند. افشای ساخت‌وسازهای بی‌کیفی که در مناطق حساس قرار دارند، می‌تواند فشار عمومی را بر مسئولان برای اصلاح روند افزایش دهد.

نتیجه‌گیری: متأسفانه شاهد هستیم در این پدیده نابهنجار برخی افراد سودجو که فاقد کمترین سواد در حوزه معماری و مهندسی هستند، سراسیمه و ناشیانه در حال ساخت آلونک‌هایی با نام ویلا هستند. فراموش نکنیم که سازه‌های بی‌قواره در شمال، فراتر از یک تخلف در حریم شهری، یک گناه بزرگ و نابخشودنی در حق طبیعت و یک خطر بزرگ برای زندگی انسان‌هاست. اگر امروز با قاطعیت در برابر این «معماری بی‌ریشه» و «سازه‌های بی‌ستون» ایستادگی نکنیم، روزی خواهد رسید که هزینه این بی‌خیالی را با خون انسان‌ها و نابودی آخرین پناهگاه‌های سبز کشور پرداخت خواهیم کرد. ظلم بزرگی است که به خاطر سود برخی کاسبان معماری (بسازبفروشان) مشکلات متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای کشور ایجاد شود.

مفقودی

اینجانب امیرحسین مهری ثابت مالک خودرو پژو پارس به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۴۵۲۹۴ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۳AK۷۷۵۰۲۵ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقررات اقدام خواهد شد.

گیلان

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۲۲۱۰۰۰۹۳۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد گلبان به شناسنامه شماره ۲۲۵ کد ملی ۱۲۸۸۳۰۴۴۹۸ صادره فرزند حسین در شنشدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۰۸۴/۸۲ متر مربع مجزا شده از پلاک شماره ۱۳۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید انتقال عادی مع الواسطه از طرف غلامعلی زارع برسیانی که به موجب سند ۴۴۲۴۰ مورخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۳ دفتر خانه ۲۹ اصفهان به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می باشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مهدی صادقی وصفی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
شناسه آگهی: ۲۳۱۶۴۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۱۲۰۰۰۸۰۰۴۱۳۷ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۵۲۲ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای امید میرابی فرزند حلیم به شماره شناسنامه و کد ملی ۴۹۷۰۰۲۴۵۸۸ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۹۳/۹۵ متر مربع، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۵۷ فرعی از ۴ اصلی واقع در اراضی قریه مرتع شوره زار بخش ۷ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی آنا قربان میرابی تائید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

محمد نبویان
سرپرست اداره ثبت استاد و املاک آق قلا
از طرف علی برقی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه برابر رای شماره ۱۱۵۲۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان در قسمتی از پلاک ۱۰۹ بخش ۸ اهواز حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی(سند به شماره ۵۲۲۰ مورخ ۴۷/۰۸/۱۰ دفتر خانه ۱۳۰ اهواز سهمی عبدالعلی الباجی) به متقاضی نعمه الباجی ش ش ۱۴۴۶ کد ملی ۱۷۵۱۴۶۲۶۲۵ فرزند عبدالعلی صادره از اهواز نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی(اعیان غیر مجاز) به مساحت ۱۰۹۲ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق خریداری شده طبق شرح صدر آگهی و انتقال ملک از مالک رسمی به نام وی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراقب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه های محلی و کثیر الانتشار سراسری آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ،می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۲
شناسه آگهی: ۲۳۰۴۷۸۵
بهزاد مردانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز